



سال اول، سری اول، شماره ششم  
پنجم آبان هزار و سیصد و نود و نه، ۲۶ اکتبر ۲۰۲۰

جنبش مطالباتی، دو تجربه هفت تپه و

پیمانکاری های نفت و گاز



**با مسئولیت: اسد گلچینی و بهرنگ زندگی**

**kaaaregar@gmail.com**

**سال اول، سری اول، شماره ششم**

**پنجم آبان هزار و سیصد و نود و نه، ۲۶ اکتبر  
۲۰۲۰**



## جنبش مطالباتی، دو تجربه هفت تپه و

## پیمانکاری‌های نفت و گاز

### اسد گلچینی

در بین همه مبارزات کارگران در ایران که روزانه در بخش‌های مختلف در جریان است، نگاه دقیق‌تر به دو تجربه مهم برای طبقه کارگر و جنبش مطالباتی آن که می‌تواند بر اساس سرنوشت و مسایل و مطالبات مشترک قدرتمند شود، حائز اهمیت است. آشکار است که رهبران و دست‌اندرکاران این فعالیت‌ها بیش از هر مشاهده‌کننده‌ای امثال ما و آن هم از راه دور، می‌توانند این نوع تجارب را جمع‌بندی کرده و به عنوان آرشیو مبارزات طبقه کارگر برای این طبقه و همه فعالان و جمع و محافل و شبکه‌هایشان قابل دسترس کنند.

در نگاه از نزدیک به این مبارزات می‌توان به درجه زیادی وضعیت مبارزات، چم و خم آن، سطح این مبارزات و کم و کاستی و نقاط قدرتمندش را دید. کارزاری که گرایش‌های مختلف کارگری هم در برابر خود دارند در این وضعیت می‌تواند دیده شود. این مبارزات تجارب بسیار ارزشمند و مهمی برای طبقه کارگر و مبارزات فعلی و آتی‌اش را از هر لحاظ در بر دارد و همچنین همه این‌ها موقعیت روشن‌تری از کارکرد کمونیست‌ها و سطح سازمان‌یابی و کمبود، ضعف و یا تشنگی آن‌ها در میان طبقه کارگر را هم می‌تواند نشان دهد و درس‌های مهمی برای این کارگران و همه

روشنفکران کمونیست در بر داشته باشد.

سطح بالایی از اعتراضات کارگری در ایران و رویارویی طبقاتی طبقه کارگر با دولت و صاحبان کار اعم از سرمایه‌داران بزرگ و کوچک در جریان است که بدون تردید آن را در آستانه یک جنبش مطالباتی هم قرار داده است. جنبش کارگری برای هم صدا شدن و قدرتمند شدن در این مبارزات و رویارویی نیازمند حرکت و گسترش جنبش مطالباتی است، جنبشی که بر پایه مطالبات و وضعیت مشترک و توان و قدرت سازمان‌یافتگی در بطن اوضاع سیاسی و اعتراضات اجتماعی امکان گسترش خود را فراهم می‌کند. طبقه کارگر در ایران کماکان از بسیاری لحاظ دارای مسائل و مطالبات مشترک بالایی است، اعتراض کارگران به وضعیت بسیار پایین دستمزدها و تعویق در پرداخت آن‌ها، شرایط کار و معیشت، مساله تورم و ابعاد بی‌سابقه آن و مطالبه محوری تغییر قراردادهای کار و امنیت شغلی، طرح اضافه دستمزد به عنوان یک راه‌حل مهم در رابطه با بحرانی که سرمایه‌داران و دولتش ایجاد کرده‌اند، مساله بیکاری و بیمه بیکاری برای همه زنان و مردان آماده به کار و ... از جمله این مطالبات مشترک است که اکنون بیش از هر زمان دیگری برای آنها اقدام میشود. یک مساله مهم در جنبش کارگری چگونگی سازمان دادن اعتراض فعلی کارگران و تبدیل کردن آن‌ها به یک جنبش در سطح هر چه گسترده‌تر و سراسری آن است. در بخش‌های زیادی این اعتراضات وجود دارد؛ از جمله در مراکز مهم صنعتی، کارخانه‌های بزرگ و کوچک، در معادن سنگ و ذغال، مراکز مختلف تا موسسات دیگر تولیدی و خدماتی و پیمانکاری‌های‌ها تا

معلمان و بازنشستگان، کارکنان بیمارستان‌ها و ... بر اساس اجحافات زیاد صاحبان کار و قوانین حکومتی و دولتی و نگاه داشتن سطح معیشت و کار این طبقه در پایین‌ترین سطح آن همراه با سرکوب و خفقان گسترده‌ای بر فعالان و پیشروان این مبارزات، اعتراضات از مسائل مشترک و هم‌سرنوشتی بسیار بالایی برخوردار است. در واقع این وضعیت انعکاس اعتراض به وضعیت موجود برای طبقه کارگر و اکثریت مردم زحمتکش در جامعه است. تفاوت وضعیت و ومعیشت و شکاف طبقاتی بین طبقه سرمایه‌دار و طبقه کارگر و مردم زحمتکش، هیچگاه به اندازه امروز عمیق نبوده است. هیچ گاه به اندازه امروز عمق محرومیت این بخش جامعه نمایان نشده است. این وضعیت آنطور که در اذهان می‌کارند که مربوط به تحریم‌های اقتصادی ایران از طرف آمریکا است بسیار گمراه کننده است. از سویی کشورهای غربی به سرمداری آمریکا آلت‌رناتیو شان مجازات مردم با تحریم‌های اقتصادی است و حفظ بازار و نیروی کار ارزان ایران که به وسیله دولتی که در منطقه کمتر به "جست و خیز" پردازد، حفظ شود حرف اول را می‌زند و از سوی دیگر زندگی و حقوق مردم هیچگاه و بدرجه اولی در این دوره هیچ ارزشی از سوی چه کشورهای غربی و آمریکا و چه دولت‌های ایران و حکومتش نداشته است. طبقه کارگر و مردم زحمتکش از طرف دیگر در ایران همواره چه قبل از تحریم و چه بعد از آن در شکاف عمیق دستمزد و تورم زندگی کرده اند. در همین وضعیت اتفاقا به دلیل اینکه دستگاه حکومتی از بالا تا پایین تماما در خدمت حفظ وضعیت موجود برای طبقه سرمایه‌دار است، این طبقه هر روز بر ثروت و

سرمایه‌اش می‌افزاید. حداقل دستمزدهای تعیین شده برای بخش قابل توجهی از کارگران به سرعت در برابر تورم ذوب می‌شود و قدرت خرید کارگران و مردم زحمتکش باز هم در معرض فقر بیشتر قرار می‌گیرد. آنچه می‌تواند طبقه کارگر و اعتراضاتش را در چنین شرایطی در موقعیت یک جنبش قدرتمند قرار بدهد از جمله جنبش مطالباتی است. جنبش مطالباتی یعنی تبدیل کردن همه رودخانه‌های طبقه کارگر به دریا، جنبش مطالباتی که بر پایه تمام مطالبات مشترک طبقه کارگر و مردم زحمتکش می‌تواند برای این طبقه در مبارزات سیاسی و اجتماعی در جامعه نقش تعیین کننده‌ای هم داشته باشد. کدام بخش و کدام رهبران و تشکل‌های درون کارگران و یا تشکل‌های سیاسی با نفوذ در میان کارگران قادر به دادن افق و راه حل به این مبارزات هستند؟ کدام بخش‌ها و کدام رهبران با گرایش‌های مختلف سیاسی و متعلق به طبقه کارگر، در همراهی با هم در این جنبش مطالباتی و مستقل از افکار و نظراتشان، هم صدا با هم این جنبش را قدرتمند می‌کنند؟ مسیری که می‌تواند به راه حل‌های مختلفی منجر شود و یا در اثر نبود افق رادیکال، کارگری و کمونیستی بر این مبارزات، به راحتی دستمایه‌ای برای نیروهای درگیر در این اعتراضات و مبارزات بشود. اما جنبش مطالباتی یک ضرورت و یک راه حل مهم گذار طبقه کارگر و دیگر اقشار زحمتکش به مبارزه طبقاتی سازمانیافته است. این راه حل‌ها خیالی نیستند، ممکن است و ضروری است و امروزه در میان اعتراضات مختلف کارگری، در طبقه کارگر، در میان فعالان و سازماندهندگان مبارزاتش و در میان روشنفکران با گرایش‌های مختلف وجود دارد.

در هر حرکت و مبارزه و اعتراض و اعتصاب کارگران هم می‌توان رد پای افق و راه حل‌های مختلف و نقاط ضعف و قدرت آنها را در جهت این ضرورت یعنی جنبش مطالباتی دید. تا جایی که به کارگران کمونیست و روشنفکران کمونیست برمی‌گردد بررسی و تجزیه و تحلیل هر کدام از مبارزات کارگری و نتایج به دست آمده آنها را هم بسیار بیشتر به واقعیت جنبش کارگری و توان و قدرت گرایش‌های مختلف آن عینی‌تر میکند.

بررسی عمومی دو تجربه مهم مبارزاتی کارگران هفت تپه و کارگران پیمانکاری‌ها در مراکز نفت و گاز می‌تواند تصویر روشن‌تری از روند جنبش مطالباتی و نیازمندی‌ها، انتخاب مطالبات روشن و تمرکز بر لیست مطالبات بنا به فراخور توان و اوضاع، حفظ اتحاد کارگران بر پایه توان و قابلیت‌های مبارزات خود و ارزیابی روشن از توان و امکان اعتراض سراسری باشد و حتی میتوان دید که چگونه در غیاب حضور کارگران رادیکال و سوسیالیست و جنبش کمونیستی سازمانیافته در هر محل کار و زندگی دستاوردهای تاقوننی نیز قابل پس گرفتن میباشد و هر جا کارگران پیروی کرده اند عقب رانده شوند.

### تجربه هفت تپه

مبنای این مشاهده و تجربه مبارزات کارگران در سال ۹۹ است اما بدیهی است که تجارب گذشته مبارزات در این شرکت همواره بر آنچه در جریان بوده موثر افتاده است.

بعد از مبارزات پرشکوه کارگران هفت تپه در سال ۹۷ و تجربه تشکیلات و رهبران قدرتمند آن، بار دیگر کارگران در سال ۹۹

اقدام به بهبود وضعیت کار، سرنوشت شرکت و معیشت خود می‌کنند. تشکل سابق که بالاترین سطح اتحاد و نظم و دخالت دادن همه کارگران را تامین می‌کرد یعنی مجمع نمایندگان کارگری در همه بخش‌ها که ۲۱ نفر را شامل می‌شد ظاهراً معتبر بود اما مانند سابق به هر دلیل و ملاحظه‌ای در جلوی صحنه نبود. سندیکا و کانال‌های مختلف اینترنتی این نقش را رو به بیرون بازی می‌کرد که همانطور که بعداً خواهیم دید این انتخاب فعالیت تحت عنوان سندیکا اتفاقی نبوده و بخشا نشان از عقب نشستن از این سطح از سازمان‌یابی در میان کارگران به سندیکا و طلب به رسمیت شناختن سندیکا از طرف دولت می‌شوند. مسائل متعددی همچنان شرکت را به وضعیت بحرانی رسانده بود و کارگران راهی جز مقابله همه جانبه با آن نداشتند. به درستی کارگران در فکر ریشه‌ای‌تری برای ادامه کاری شرکت و وضعیت با ثبات‌تر کار و زندگی خود بودند. همچنان که سال ۹۷ تصمیم به این داشتند که شرکت هفت تپه را بتوانند تا هر جای ممکن در اختیار و کنترل و یا نظارت کارگران قرار بدهند امسال هم همین راه حل را در برابر داشتند و وارد کارزار دیگری برای آن شدند. در هر دو دوره کارگران فکر کرده‌اند که می‌توانند از طریق دولتی کردن شرکت قابلیت نظارت و کنترل خود و نمایندگان‌شان را بر شرکت افزایش بدهند و حتی بعضاً بحث از نظارت صد در صدی هم شده است. این مساله در هر دو دوره با علامت سوال بزرگی مواجه بود. در هر دو دوره و تا هم اکنون هم ما شاهد هستیم که توان کارگران برای اجرای این خواست تعیین کننده نه فقط برای کارگران هفت تپه بلکه برای کل طبقه کارگر، کافی نبوده است.

وارد شدن به این کارزار بزرگ با حکومت و دولت طبقه سرمایه دار مستلزم قدرتمندی بسیار بالاتری از سوی طبقه کارگر است. در ادامه مبارزات کارگران در این دوره حقوق‌های معوقه دو ماهه تا حدودی پرداخت می‌شود اما آنچه مشغله اصلی کارگران است یعنی تعیین تکلیف برای سرنوشت شرکت بلا تکلیف است. هر چند افشاگری‌های چند ساله کارگران از یک طرف و از طرف دیگر رقابت و اختلاف در میان بخش‌های مختلف حکومت برای واگذاری شرکت به دایره مورد نظر و علاقه خودشان، موجب افشای کلاهبرداری بزرگ خانواده اسدیگی کارفرمای شرکت می‌شود که دقیقاً در هماهنگی با مقامات حکومتی صورت گرفته بوده و تمام ارزش‌های دولتی که قرار بوده صرف بهبود وضعیت شرکت و تولید آن و پرداخت حقوق کارگران شود در رشته‌های دیگر مصرف می‌شود و شرکت هفت تپه روز به روز در وضعیت معلق از هر لحاظ قرار می‌گیرد. کارگران همه این‌ها را می‌دانستند و به همین دلیل خلع مالکیت از اسدیگی‌ها و محاکمه آن‌ها را در لیست مطالباتشان قرار می‌دهند. هفت تپه ظاهراً برای کارفرما و مدیران این شرکت نقش ویتروینی برای فعالیت‌های اقتصادی و پول‌خوری‌های فراوان تعداد زیادی از مقامات متنوع حکومتی که همه در دست صاحبان شرکت به عنوان پیچ و مهره بودند را داشته است و در این میان پنج هزار کارگر و خانواده‌های آن‌ها برای گرفتن حقوق‌های خود ناچار به انتخاب اعتصاب می‌شوند.

## لیست مطالبات کارگران اعتصابی

اعتصاب قدرتمند امسال با شرکت همه کارگران از ۲۶ خرداد

شروع شد. این اعتصاب بیش از هشتاد روز را شامل شد. لیست مطالباتی کارگران در طول اعتصاب بالا و پایین می‌شد اما محوری‌ترین خواست‌ها عبارت بودند از لغو مالکیت صاحب شرکت و پس گرفتن آن از طرف دولت با نظارت کارگران. لیست مطالباتی کارگران به این ترتیب بود: پرداخت دستمزدهای معوقه و لغو خصوصی‌سازی و تمدید مهلت دفترچه‌های درمانی. این خواست‌ها با امضای "سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه" و از کانال تلگرامی آن اعلام شد. در همین روز مطالبات دیگری که شامل اخراج بازنشسته‌هایی که حقوق‌های بسیار بالایی هم می‌گیرند و همچنین بازگشت به کار کارگران اخراجی، که از سوی "کارگران نیشکر هفت تپه" به کانال تلگرامی ارسال شده تأکید می‌شود.

اعتصاب در فضای محاکمه کردن امید اسدیگی و دیگر متهمین به اختلاس بزرگ از این شرکت شروع می‌شود. کارگران لابد این زمان را زمان مناسبی برای عملی شدن مطالباتشان تشخیص داده‌اند و فکر کرده‌اند که می‌توانند از این فضا به نفع خود استفاده کنند. اعتصاب کارگران در ۲۶ خرداد شروع می‌شود و دادگاهی اسدیگی و شرکاء از سی‌ام اردیبهشت قبلاً آغاز شده و هر چند روز یکبار و یا به فاصله بیشتری جلسات دادگاه برگزار می‌شود. این جلسات تا دو ماه و در سیزده جلسه برگزار شد. در دهمین روز اعتصاب امیدواری زیادی در میان کارگران ایجاد می‌شود و معتقدند که پیروزی نزدیک شده است و همین را هم در کانال تلگرامی خود اعلام می‌کنند. تحت تأثیر این دادگاه که به هر لحاظ صورت گرفته باشد در ادامه اعتصاب (روز بیست و دوم

اعتصاب) خواست "بازداشت فوری اسد بیگی و مجازات حبس ابد برای وی و رستمی" از سوی کارگران طرح می‌شود. مسئولان شرکت ادعا می‌کنند که تا اردیبهشت‌ماه حقوق‌ها به روز بوده و پرداخت شده و از آن به بعد چون حساب‌های بانکی مسدود شده قادر به پرداخت حقوق‌ها نبوده است. بعدا دادگاه اعلام می‌کند که پول به اندازه کافی برای پرداخت حقوق‌های معوقه در حساب شرکت موجود بوده است.

در ادامه لیست مطالباتی کارگران تقریباً به این وضعیت در می‌آید:

- ۱- لغو فوری قرارداد واگذاری شرکت و جلوگیری از هر گونه خصوصی‌سازی‌های دیگر
- ۲- پرداخت فوری حقوق‌های معوقه و بیمه کارکنان
- ۳- بازداشت فوری اسد بیگی، محاکمه و اشد مجازات غارتگران بیت‌المال (اسد بیگی - رستمی)
- ۴- پرداخت مزایای عرفی برابر به تمامی پرسنل
- ۵- بازگشت به کار کارگران اخراج شده
- ۶- قطع همکاری و بیرون رفتن کلیه مدیران بازنشسته از شرکت
- ۷- تقاضا می‌شود از قوه قضائیه جهت مختمه نمودن کلیه پرونده‌های قضایی کارگران در دادگستری شوش و اهواز.

ادامه اعتصاب همانطور که دیده شد به اشکال مختلف به موضوع دادگاهی مالک و مدیران اختلاس‌گر هفت تپه، اهدافی که قوه قضائیه و مجلس در تقابل و اختلافات خود با انواع باندهای دولتی داشتند، تنیده می‌شود. صداهایی که خواهان همراهی شدن هر چه بیشتر با قوه قضائیه و مجلس در مقابل دولت است شنیده می‌شود. در فواصل اعتصاب و دقیقاً در میانه دادگاهی اسد بیگی و شرکاء، معلوم می‌شود که تلاش همه مسئولان انتظامی و امنیتی

در مرکز و استان در همراهی و در جلسه مشترک با مدیران شرکت به منظور مقابله با کارگران و عقب راندن و پراکنده کردن‌شان صورت می‌گردد!! این در حالی است که اساساً کارگران موجب شده‌اند تا این اختلاس رو شود و مالکان و مدیران و همکاران آنها به دادگاه کشانده شوند. آنچه معلوم است کشمکشی است که از هر سو در جریان است. کارفرما و مدیرانی که همه دم و دستگاه محلی و سراسری را هر کدام در آستین داشته‌اند به راحتی با مخالفت هر باند دیگری جا نمی‌زنند و در گرماگرم دادگاه اسد بیگی و شرکاء قادر به تهدید دوباره کارگران می‌شوند.

قبل از پایان رسمی اعتصاب و در هفتادمین روز آن اعلام می‌شود که توقیفی پانزده روزه خواهند داشت و فرصت می‌دهند که قوه قضائیه و مجلس که پیگیر لغو مالکیت کارفرمای فعلی بر شرکت هستند، کار را دنبال کنند. این مساله ظاهراً مورد توافق همه کارگران نیست. بخش‌های دیگری از آنها اعلام می‌کنند اعتصاب ادامه دارد و تجمع کارگران در شهر شوش و جلو فرمانداری در جریان است. نیروهای انتظامی هم در صدد جلوگیری از تجمع کارگران هستند. مذاکره کارگران و نماینده‌های حکومتی ادامه پیدا می‌کند. آنچه از لابلای اخبار می‌توان فهمید این است که بالاخره شرکت‌ها و یا افراد مورد علاقه‌ای که کاندیدهای "مورد علاقه" قوه قضائیه و مجلس هستند، در برابر جماعت دولت و دستگاه آن که در خدمت اسد بیگی و شرکایش بود، برنده مسابقه شده‌اند و مقامات مختلف جمهوری اسلامی تصمیم به بازپس گرفتن شرکت نیشکر هفت تپه از مالک فعلی و تحویل آن به شخص دیگر و یا یکی از نهادهای حکومتی از قبیل سپاه یا بنیاد مستضعفان

یا هلدینگ‌های ذینفع در این پروسه است. این مساله آشکار بوده است که قوه قضائیه، مجلس و دولت در هر موردی با هم اختلاف داشته باشند در مورد عقب زدن کارگران و شکست دادن آنها در اتحاد و قدرت مبارزاتی شان متحد هستند و در این هیچگاه تردیدی نبوده است. برای برخی از رهبران کارگری این مساله زیاد روشن نبود. اعتصاب پایان گرفته است و لیست مطالباتی کارگران و خواست‌های اساسی آن همچنان و آنطور که کارگران می‌خواستند محقق نشد. قرار است تا یک ماه دیگر تصمیم نهایی در مورد مساله مالکیت شرکت اعلام شود. کارفرما و طبعاً با همکاری نزدیک با نیروهای امنیتی و انتظامی تعرض به نمایندگان کارگران را شروع کرده است و چنانچه سد محکمی در برابر این قلدری آشکار ایجاد نشود یکی بعد از دیگری قرار است سراغ رهبران اعتصاب و فعالین رفته و آنها را تحت عنوان نیروی "مازاد" اخراج کرده و زمینه برای تحویل دادن آن به مالک آتی، فضا برای کارشورای اسلامی و خاموش کردن کارگران فراهم شود. آخرین اطلاعیه سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه خود بسیار گویاست و اینگونه پایان اعتصاب و آغاز دور دیگری از مبارزاتشان را در ۱۲ مهر ۹۹ اعلام می‌کند:

خواست‌های فوری کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه بیش از هفتاد روز اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه برای خلع ید از کارفرما و خصوصی سازی، پرداخت دستمزد های عقب افتاده حق بیمه و سایر مزایای شغلی، بازگشت به کار کارگران اخراجی اسماعیل بخشی، ایمان اخصری، محمد خنیفر، سالار بیژنی و پافشاری بر خواست‌هایشان، به رغم زندان و تهدیدهایی

که از سوی کارفرما، و نهادهای انتظامی و امنیتی علیه کارگران، پیشروان کارگری و سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه انجام گرفت، مجلس شورای اسلامی و برخی مسئولان از موضع حمایت از اسد بیگی و رستمی که به عنوان مالکان شرکت نیشکر هفت تپه، عقب‌نشینی کردند و سلب مالکیت آنها را در دستور کار قرار دادند. در همین رابطه نمایندگان مجلس زیر فشار اعتصاب و اعتراضات خیابانی کارگران، نشست‌هایی برای بررسی مسائل شرکت نیشکر هفت تپه و خواست‌های کارگران با حضور نمایندگان مستقل کارگران گردیدند .

پس از یک روند طولانی بالاخره دولت و مجلس از اسد بیگی و رستمی اعلام خلع نموده و برخی از خواست‌های کارگران از جمله اخراج مدیران بازنشسته که تحت حمایت کارفرما بودند، پذیرفتند .

بر همین اساس کارگران و سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه ضمن حفظ اتحاد و همبستگی، پیشبرد اعتراضات کارگران را با انجام خواست‌های زیر و اجرای بی قید و شرط آن از سوی مجلس، دولت و قوه قضائیه ممکن می‌دانند .

خواست‌های فوری کارگران نیشکر هفت تپه در طول بیش از ۷۰ روز مبارزهٔ دشوار و پیگیری برای تحقق موارد زیر است:

- ۱\_ پرداخت فوری تمام حقوق ها و مزایای عقب افتاده
- ۲\_ بازگشت به کار همه کارگران اخراجی از جمله کارگران غیرنیشکری به کار و پرداخت حقوق و مزایای دوران بازداشت و یا اخراج آنها
- ۳\_ به رسمیت شناختن تشکل‌های مستقل کارگری و به طور



مشخص سندیکای کارگران هفت تپه از سوی دولت

۴\_ به رسمیت شناختن حق اعتراض، اعتصاب، تجمع و...

۵\_ به رسمیت شناختن نمایندگان مستقل منتخب کارگران در

زمینۀ نظارت بر شرایط ایمنی و بهداشت کار، جلوگیری از سوانح،

رعایت ساعات کار و غیره

۶\_ خلع ید و سلب مسئولیت از تمام کارگزاران مدیریت سابق.

مدیران شرکت باید مورد تأیید کارگران باشند.

برای جلوگیری از انواع اختلاس‌ها، دزدی‌ها و حیف و میل‌ها

لازم است:

الف) کارگران برای نظارت نمایندگان منتخب خود بر تولید،

استخدام، ماشین‌آلات و مواد خام، انبار تولیدات، زمین‌های متعلق

به شرکت برای جلوگیری از فروش زمین‌ها، منع اخراج تلاش

کنند و بکوشند این موارد در شرکت هفت تپه تثبیت و نهادینه

شود.

ب) حساب‌های شرکت شامل ترازنامه، حساب سود و زیان و

حساب جریان نقدینگی یا تغییرات خزانه شرکت علنی باشند و

نمایندگان کارگران حق بررسی اسناد مربوط به این حساب‌ها را

داشته باشند.

اعلام این موارد که تنها بخشی از خواست‌های کارگران هفت

تپه هستند. پافشاری برای تحقق آنها محصول مبارزات

طولانی، تحمل سختی‌ها، اخراج‌ها و زندان و تجارب سال‌ها

فعالیت حق طلبانه کارگران باسابقه و کارگران جوان بخش‌های

مختلف شرکت هفت تپه است.

تنها اراده جمعی کارگران نیشکر هفت تپه و حمایت کارگران و

فعالان کارگری در سراسر کشور به اجرای واقعی خواست‌های

بالا منجر می‌شوند.

اتحاد ضامن پیروزی کارگران نیشکر هفت تپه است.

شنبه ۱۲ مهر ۱۳۹۹

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

## پاسخ روشن کارگران به مساله خصوصی و دولتی

یک آموخته مهم در همین اطلاعیه پایانی سندیکا این است که

کارگران با هر سه قوه قضائیه، دولت و مجلس طرف هستند. این

نتیجه‌گیری مهمی از تجربه تاکتونی خود کارگران در دوره

اعتصاب اخیر است. دیگر هر گونه انتظار و یا هر گونه تلاش

برای استفاده از اختلافات همه اختلاسگران دولتی و غیردولتی،

خصوصی و دولتی از هر شکل و قبیلی، چه اسد بیگی باشد و چه

فلان سردار سپاه، به حال کارگران مطلقاً نباید فرقی داشته باشد.

ریشه این توهم را باید هدف قرار داد که خشکیده شود چون

همین گرایش به استفاده از شکاف بین قوه قضایی و مجلس با

دولت، متأسفانه تا هم اکنون در تضعیف متکی شدن به قدرت

سامانیافته کارگران موثر بوده و ریشه در افکار و فعالیت‌های

رفرمیستی جان سختی دارد که در میان خود کارگران و فعالین

سیاسی بطور سازمانیافته در فعالیت است.

## افزایش دستمزدها و پلاتفرم روشن

از دیگر موارد مهم تاکید کارگران با توجه به تجربه اعتصاب

اخیر، طرح خواست حداقل دستمزدها به میزان ۹ میلیون در ماه

است. این مهم در تبلیغات کارگران دیده می‌شود و تاکید دارند که

این می‌تواند مبنایی برای وحدت مبارزه کارگران در سراسر کشور

بشود. این گام بسیار جدی و تعیین کننده‌ای در فعالیت آتی کارگران در برابر صاحبان شرکت از هر رنگ و قماش که باشند است. البته چنین نظراتی در میان کارگران و فعالین آنها قبلا هم وجود داشت اما قادر به مسلط کردن پلاتفرم خود بر حرکت رهبران جاری اعتصاب و سخنگویان کارگران نشده بود. منسجم شدن این دسته از فعالان و رهبران کارگری و تلاش جدی برای باز هم متحد کردن اکثریت کارگران بر پایه سازمان‌یابی آنها از مجرای مجامع عمومی، نمایندگان کارگران در هر بخش و مجمع نمایندگان یک گام مهم در پیشبرد و قابل قبول کردن یک راه حل رادیکال و واقعی است. افزایش دستمزدها و متحقق کردن خواست‌های متعدد کارگران روی پای خود و قطع امید به شکاف‌های حکومتی و بازی در آنها، پای دیگر این واقعیت است که همیشه نمایندگانی در میان کارگران داشته است. به این ترتیب رهبران قدیم و جدید با درس‌هایی که از اعتصابات این دوره هم گرفته شده می‌توانند باز هم تصویر و برنامه روشنی در مبارزاتشان ناظر کنند.

### مکانیزم سازمان‌یابی کارگران، کدام شکل

مسئله ای که قطعاً مورد توجه رهبران و فعالان اعتصاب اخیر است مروری بر تجربه این دوره در زمینه شکل مناسب پیشبرد مبارزات و اعتراضات کارگری است. کارگران هفت تپه و مبارزاتشان در جنبش کارگری و در مبارزات حق طلبانه مردم ایران، جایگاه مهمی را از سال ۹۷ به ویژه به این طرف کسب کرده است. رهبرانی به جامعه و جنبش کارگری داد که خصوصیاتشان به سنتی دست یافتنی و آموزنده برای تعداد بسیار

زیادی تبدیل شد. قدرت سازمان و اتکا به نمایندگان کارگری و تشکیل مجمع نمایندگان کارگری، قدرت تصمیم و اراده آنها در مقابل کل سیستم حکومتی و کارفرما و مدیران، به واقعیت تبدیل شد. مجمع عمومی و تعلق به جنبش شورایی افق روشن‌تری به کارگران داد و علیرغم همه توطئه و سرکوب و پاپوش دوزی‌های دستگاه پلیسی برای شکست دادن رهبران و اتحاد کارگران، این سنت‌ها زنده است و جاری. جنبش کارگری بدون هفت تپه به این وضعیتی که امروز در آن قرار دارد نمی‌رسید. فرا تر از این، مساله هفت تپه و راه حل هایش در دست یافتن جامعه به رهایی از استبداد، فقر و استثمار و سرکوب به سرعت در میان میلیونها نفر جذابیت پیدا کرد و راه حل طبقه کارگر و رهبرانش را معتبر و در دسترس قرار داد.

هم زمان بحث و نظرات متفاوتی از آغاز اعتصاب این دوره و تا پایان آن در میان خود کارگران و ناظران با علایق و دیدگاه‌های مختلف هم کم و بیش وجود داشته است. اما آنچه را که به نسبت دوره اعتصاب و اعتراضات ۹۷ کارگران کم داشتند کارکرد شکل مجمع نمایندگان بخش‌های مختلف، ابزار وجود آن و تثبیت این ارگان و متکی شدن به طیف گسترده‌ای از کارگران از طریق مجامع عمومی‌شان بود. این مهمترین ابزار و دست‌آورد جنبش متکی شدن به توده کارگران که قابلیت انعطاف بسیار بالایی به نسبت سندیکا و ... دارد را باید حفظ کرد. به کارگیری این مکانیزم متضمن کم‌ترین اشتباه از سوی رهبران و نمایندگان اعتصاب و اعتراضات است. این کلیدی‌ترین دست‌آورد جنبش کارگری در سال ۹۷ بود که هفت تپه و رهبرانش ممکن بودن و

و قابل اتکا بودن آن را به خود، به طبقه کارگر و جامعه دادند. اکنون دیگر تامین اتحاد بالا در میان کارگران در هفت تپه و در همه جا نیازمند بازگشت به دست‌آورد مجمع نمایندگان هفت تپه و تامین رهبری اعتراضات کارگری و حفظ اتحاد و همبستگی قدرتمند از آن طریق است.

## مبارزات سراسری و معضل تحریم قند و شکر وارداتی

از دیگر نکات قابل توجه این است که کارگران در میانه اعتصاب به ضرورت تاکید بر اعتصابات سراسری و یا در واقع گسترش دامنه اعتراضات کارگری در دیگر مناطق و در سطح سراسری پرداخت. این تاکیدات به همه لحاظ مهم و حیاتی است و جنبش مطالباتی از جمله ممکن کردن این امر است. این برای هر مبارزه‌ای پشتوانه عظیمی است و در همین دوران شاهد بودیم که چگونه اعتصاب کارگران پیمانکاری‌ها از فضای موجودی که به وسیله اعتصاب هفت تپه و دیگر مبارزات کارگری صورت گرفته بود به درستی استفاده کرد. با توجه به نتایج فعلی اعتصاب این دوره کارگران هفت تپه می‌توان روشن‌تر گفت که تلاش برای اتحاد کارگری در سطح منطقه‌ای و سراسری کماکان حلقه مهمی در فعالیت‌های امروز و آتی در هفت تپه هم خواهد بود. تلاش برای نیرو دادن به سامان‌دهی جنبش مطالباتی و نیرو گرفتن از آن باز هم هفت تپه را در صدر پیشروی‌های جنبش کارگری قرار خواهد داد. در این دوره این تلاش ناموفق بود و به همین درجه هم کارگران هفت تپه ناظر حمایت‌های عملی از سوی دیگر مراکز و یا صنعت تولید قند و شکر و یا دیگر مراکز با مطالبات مشترک و سرنوشت مشترک نبودند. هر کدام از بخش‌های

کارگری با وضعیت مشابه راه خود را رفتند. هپکو با آمدن مدیر جدید موافقت کرد و ظاهراً در تب و تاب رونق تولید هستند. معادن در حال عبور به بازار سهام وضعیت خاموش و معلق دارند، کارگران پیمانکاریها راه خود رفتند و بسیاری مراکز با مطالبات مشترک کمتر قادر به ملحق کردن مطالبات به هم بوده است. تاکید بر سراسری کردن مبارزات و اعتصابات در میانه اعتصاب باز هم هر چند دیر به آن دست برده شد تبلیغات خوبی بود که فقط حمایت تشکل و اقشار مبارز و حامی کارگران را جلب می‌کرد که نقشی در مبارزات مستقیم کارگران در محل‌های کار و زندگی‌شان ندارند. اما اگر این کار در این دوره برای هفت تپه ثمری نداشت بعضاً عقب نشستن از این تاکیدات مهم را هم شاهد بودیم. فراخوان و تاکید بر اعتراض و اعتصابات سراسری به عنوان ابزار همبستگی، جایش را به تائید و تبلیغ اعلامیه [تحریم قند و شکر و وارداتی] داد که از مردم خواسته می‌شد که قند و شکر وارداتی را تحریم کنند. این ظاهراً قرار بود به کارگران کمک کند تا تولیدات شرکت نیشکر هفت تپه بتواند در بازار امکان فروش داشته باشد. تائید و تبلیغ این اعلامیه تیر به پای خود زدن بود. این اعلامیه از زاویه بومی‌گری و محلی‌گری در واقع و در درجه اول در تقابل با صنایع و شرکت‌ها و طبعاً کارگران آنها در تولید قند و شکر داخلی بودند که بیش از ۹۰٪ تولیدات قند و شکر ایران را بر عهده داشتند. به این ترتیب امیدواری‌های روز دهم اعتصاب که به کارگران یادآوری می‌کرد "پیروزی نزدیک است" و در صدد جلب دیگر بخش‌های کارگری برای حمایت و سراسری کردن مبارزه بود، در ادامه اعتصاب بعد از دو ماه، تبدیل به

استیصال و متوسل شدن به "تحریم قند و شکر وارداتی" است که بدون تردید و در درجه اول موجب برآشفته شدن خود کارگران شد.

## تجربه کارگران پیمانکاری و پروژه‌های صنایع نفت و گاز

در تاریخ ۲۱ مرداد ۹۹ خبر اعتصاب کارگران بیش از ۳۰ شرکت پیمانکاری در صنایع نفت و گاز اعلام شد. به این ترتیب بخش دیگری از طبقه کارگر متشکل و آگاه در اقدامی مهم و سازمان یافته اقدام به طرح مطالباتش میکند. چکیده خبر این چنین بود:

□ کارگران پیمانکاری و پروژه‌های صنایع نفت و گاز کشور از جمله پایپینگ جوشکار، فیتز، فورمن و موتتاژ کار، اخیراً با تشکیل کمپین اعتراضی، اعتصابات سراسری برای افزایش دستمزد را کلید زدند. این کمپین‌ها در پنج مرحله زمانی شروط خود را از جمله دستمزدهای پیشنهادی کارگران، پرداخت به موقع مزد کارگران، نصب کولر و کاهش افراد در سرویس‌های ایاب و ذهاب، بهبود بهداشت کمپ‌ها و حمام کارگران و... را به پیمانکاران اعلام کرده‌اند. فعالین کارگری در ابتدا با انتشار یک لیست از مشاغل مربوط به صنفتشان، حقوق پیشنهادی خود را بسته به هر شغل تعیین کرده‌اند و پس از انتشار آن بین کارگران به این توافق رسیده‌اند که تنها در صورتی پیشنهاد کاری پیمانکاران را می‌پذیرند که با حقوق درخواستی آنها موافقت شده باشد. تاکنون کارگران برخی پیمانکاری‌ها در نیروگاه بیدخون، پتروپالایش کنگان، پالایشگاه لامرد، پالایشگاه اصفهان، نیروگاه

سیکل ترکیبی مینا بویلر مشهد، نیروگاه سیکل ترکیبی تبریز، پالایشگاه جفیر در اهواز، فولاد سنگان پیمانکاری، پتروشیمی سبلان، نیروگاه برق رودشور تهران، پالایشگاه ماهشهر، شرکت آسفالت طوس دشت آزادگان، پالایشگاه نفت سنگین قشم، نیروگاه سیکل ترکیبی پارس جنوبی، فازهای ۲۲ و ۲۴ و ۱۴ پارس جنوبی و چندین مرکز دیگر دست از کار کشیده‌اند. (از بیانیه روزنامه نگاران مستقل ایران)

این شرکت‌ها در موقعیت ویژه‌ای هستند و در قرارداد با صنایع کلیدی نفت و گاز و پتروشیمی قرار دارند که از هر لحاظ مراکز بسیار مهم و حساسی هستند. در گرماگرم مبارزات سخت کارگران اعتصابی در هفت تپه، کشمکش کارگران هپکو و همزمان با اعتراضات بسیار گسترده در بسیاری مراکز کار در سطح کشور، این اعتصاب مهم، رهبری آن، روش‌های اتخاذ شده، لیست مطالباتی که دارند و مهم‌تر اینکه در میان شرکت‌های پیمانکار و با شرایط استخدامی موقت که چند دهه است بخش اعظم طبقه کارگر را به برده خود تبدیل کرده‌اند، عمق وضعیت به شدت نابرابر کار و معیشت طبقه کارگر و مردم زحمتکش در جامعه و مقابله سازمان‌یافته در برابر آن را نشان داد. این حرکت نوع دیگری از چگونگی پیشبرد مبارزات طبقه کارگر و برخورد مناسب و منطبق با شرایط و وضعیت کارگران در این مراکز کار بود.

### لیست مطالباتی

دستمزدهای پیشنهادی کارگران، پرداخت به موقع مزد کارگران، نصب کولر، کاهش افراد در سرویس‌های ایاب و ذهاب، بهبود بهداشت کمپ‌ها و حمام کارگران و... را به پیمانکاران اعلام

کرده‌اند. لیست کارگران به درست به این محدود میشود و این چیزی نیست غیر از تشخیص درست رهبران به توانی که در این مقطع دارند.

محور مطالبات این اعتصاب دستمزد بود. دستمزد هایی که کارگران طلب میکنند و طلب دستمزدهای معوقه. و بعد از یک مبارزه همه جانبه یک ماهه در اطلاعیه ای از طرف رهبری اعتصاب اعلام شد که: □در اکثر پروژه‌ها و با همکاری و همیاری همه‌ی شما عزیزان و به لطف کمپین با افزایش حقوق نیروها موافقت شده است. به عنوان مثال جوشکار برق آرگون کربن که قبل از کمپین حقوقش ۶,۵ یا ۷ میلیون تومان بوده، الان با ۱۰ یا ۱۱ یا ۱۲ میلیون تومان مشغول بکار شده‌اند. فیتز که قبل از کمپین با حقوق ۵,۵ و ۶ میلیون تومان مشغول بوده، بعد از کمپین و الان با حقوق ۸ میلیون تومان مشغول بکار شده؛ داربست بند که قبل از کمپین باحقوق ۴ یا ۴,۵ میلیون تومان مشغول بوده، الان و بعد از کمپین با حقوق ۷ یا ۷,۵ میلیون تومان مشغول بکار هستند □

مطالبه مهم کارگران به این ترتیب پاسخ مثبت میگردد. یک پیروزی مهم و یک قدم جدی و امیدوار کننده برای همه شرکت های پیمانکاری ها با چند هزار کارگر. لیست مطالبات همانند بسیاری از فعالیتهای سازمان یافته این اعتصاب، حساب شده بود. مستقیماً آن مطالبه اساسی که قادر به متحد کردن کارگران، متحد ماندن آنها تا جایی که همین اتحاد امکان چانه‌زنی را می‌دهد محور مطالبات و در واقع لیست فوری و یا لیست حداقلی این مراکز را شامل می‌شد. تجارب متفاوت و زیادی در بخش‌های

دیگر و بخصوص در میان معادن سنگ و ذغال و در هفت تپه و شرکت‌های دیگر در اراک و تبریز و کرمان و البته هر کدام با ویژگی و شرایط خاصی که داشته‌اند وجود داشته است. مقابله کارفرما و بعضاً ناباوری و تردید در میان کارگران به ویژه در شرکت‌هایی که متعاقد نشده بودند که به این اعتصاب بپیوندند. تلاش زیاد کارفرماها برای وارد کردن و یا تهدید به استفاده از کارگران اعتصابی و مرعوب کردن کارگران، قادر به مقابله با کارگران اعتصابی نشد. یکی از مهمترین فاکتورها این بود که بلافاصله جایگزینی کارگران اعتصابی با استخدام کارگران دیگر ممکن نبود و این نمی‌توانست تعهدات و انجام کار منعقد در قراردادهای این شرکت‌های پیمانکار با صنایع نفت و گاز طرف قرار داد تامین کند و این را کارگران می‌دانستند. همه چیز به نوعی دارای ویژگی‌هایی بود. صنایع مهم و کلیدی، شاهرگ‌های اقتصادی کشور و حیاتی برای هیات حاکمه و طبقه سرمایه‌دار، شرکت‌های پیمانکار با کارگران قراردادی، کارگران ماهر و متخصص که هر نوع جایگزینی آنها با سرنوشت خود شرکت‌های پیمانکاری بازی می‌کرد. رهبری و سازمان‌یافتگی این مبارزه و اعتصاب که از همه امکانات موجود و دم دست و در اتکا به خود کارگران و قدرت اتحاد و تصمیمشان در موقعیت مناسبی که وجود داشت وارد این کارزار بزرگ شد. بدیهی است که این تعداد از کارگران مانند کارگران بقیه مراکز کار و مانند اکثریت مردم در این جامعه وضعیت فلاکت بار و جهنمی برای خودشان را می‌دانند و به آن آگاه هستند و بدیهی است که می‌دانند لیست مطالباتی بلند بالایی دارند اما ناچار به انتخاب در شرایطهای متفاوت

هستند. از این لحاظ انتخاب لیست مطالباتی متناسب با این وضعیت شرط موفقیت بعدی این تصمیم و اعتصاب بود.

### تصمیم به اعتصاب و اتکا به توان خود

از دیگر ویژگی‌های این اعتصاب اتکا به خود بود. وقتی ما این اعتصاب را با اعتصاب کارگران هفت تپه در این دوره مقایسه می‌کنیم این تفاوت بسیار آشکار است. اعتصاب هفت تپه در زمانی آغاز شد که از شروع دادگاهی اسد بیگی و شرکاء چند هفته گذشته بود و قهرمان این کشمکش نمی‌توانست کارگران و اعتصاب هفت تپه باشد. اما کارگران پروژه‌ای و پیمانکاری‌ها بنا به توانی که داشتند وارد این کارزار شدند و لیست مطالباتی متناسب و معقولی انتخاب کردند. فضای اعتصابات و اعتراضات کارگری بویژه در خوزستان و کشمکش کارگران هفت تپه در راس همه آن‌ها بهترین زمینه‌ای شد که اعتصاب کارگران پیمانکاری‌ها از آن استفاده کرد. این تجربه مهمی برای طبقه کارگر شد که وقتی بحث از حمایت بخش‌های مختلف کارگری از هم است و وقتی آنها تلاش می‌کنند مبارزات‌شان را هماهنگ و به هر درجه‌ای سراسری کنند دقیقاً یعنی همین نوع اتفاقات و هم‌زمانی‌ها و استفاده کردن از فضایی که برای هم ایجاد می‌کنند. در این میان همچنین یک بار دیگر این اعتصاب به همه هم طبقه‌ای‌ها نشان داد که قدرت طبقه کارگر در نقشی است که در تولید دارند. بکارگیری این قدرت است که معنی عملی حمایت بخش‌های مختلف از همدیگر را ممکن می‌کند.

### سازمان اعتصاب

از دیگر ویژگی‌های این مبارزه و اعتصاب سازمان دادن و رهبری

بود. آنچه برای کارگران مهم بود دستیابی به مطالبات‌شان بود. طولانی شدن اعتصاب بطور قطع به نفع کارگران نبود. در خانه ماندن کارگران به جای حضور در محل کار در زمان اعتصاب، تصمیم بسیار بجایی بود که رهبران اعتصاب گرفتند. تعطیلی محل‌های کار و دوری محل‌های زندگی کارگران از آنها همین را ایجاب می‌کرد و این منطبق با شرایط این کارگران بود. اگر برای این کارگران حضور در محل کار در زمان اعتصاب نقطه ضعف بود و به درست به محل کار نرفتند، برای کارگران هفت تپه حضور در زمان اعتصاب در کارخانه حیاتی بود و شرایط آنها متفاوت بود. بدیهی است که رهبران هر اعتصابی تمام هم و غمشان این است که چگونه در کوتاه‌ترین زمان ممکن ضربه کاری را وارد کرده و به مطالبه معینی که دارند برسند و یا چنانچه با موانع جدی برخوردند چگونه امکان مانور و انعطاف پذیری در حفظ اتحاد و انتخاب تاکتیک‌ها برای پیشروی‌های بعدی را فراهم کنند. رهبران این اعتصاب با همه دشواری و پیچیدگی و ترس و تردید، امید و ناامیدی‌هایی طبیعی که داشتند در این اقدام و سازماندهی و رهبری پیروز شدند. این رهبران می‌دانستند که اگر مجالی برای تبدیل شدن این اعتصاب و کشمکش‌های آن به دخالت [دیگران] و تبدیل آن به [پایتخت اعتصاب جهان]! بشود قطعاً سرنوشت مبهمی در انتظارشان خواهد بود. شاید هم ویژگی دیگر این بود که رهبران و سازماندهندگان این اعتصاب بشدت به پیروزی رساندن این حرکت و متحد کردن هر گرایش و نظری بر مطالبات مشترک این دوره تمرکز بالایی داشتند. شاید هم این پیروزی در گرو تمرکز درست بر مطالبات و سازماندهی تا رهبری

و دور ماندن از کشمکش‌های درونی حکومتی و محفوظ نگاه داشتن اعتصاب و این حرکت بزرگ از سوءاستفاده جناح‌های مختلف رقیب در میان حکومتی‌ها و شرکت و هیلدینگ‌های ذینفع و آماده برای ملاحظه کردن شرکت‌های دولتی.

از دیگر ویژگی‌های این اعتصاب سازمان و اتکاء آن به شبکه ارتباطی واقعی بین کارگران و همچنین استفاده از شبکه اینترنتی در تسریع اقدامات بود. روشن است که این جنبه از کار در رساندن کارگران به اهدافی که داشتند نقش تعیین‌کننده داشته است اما نباید فراموش کرد که اتحاد و تصمیم مهم کارگران به چنین اعتصاب بزرگی نتیجه وجود کارگران و رهبران مورد اعتماد و ثابت قدم و معتبری است که از جمله می‌تواند از ابزارهای داده شده روز و از جمله شبکه اینترنت استفاده کند و عکس این صادق نیست. تدبیر مهم دیگری که این اعتصاب داشت این بود که این سازمان و رهبرانش را برای غیر خودی‌ها رسانده‌ای نکرد. در وهله اول شاید این حرف عجیب به نظر برسد اما متأسفانه در وضعیت امروز و در میان سوءاستفاده‌های همه دولت‌ها و ارگان‌های تبلیغاتی داخلی و خارج کشوری از هر حرکت مبارزاتی، این نوع "مخفی کاری‌ها" ضروری شده است. البته این تازگی ندارد و قبلاً در اعتصاب معادن بافق و کرمان و... اتفاق افتاده است. این نوع تجارب، کارگران و رهبران آنها، تشکل‌های فعلی و اتی‌شان را بیشتر می‌تواند برای مبارزات و در توازن‌قوایی که در حال حاضر بین آنها و سرمایه‌داران و دولت‌شان وجود دارد، حفظ کند.

**چه چیزی را نباید از این اعتصاب و رهبرانش یاد**

## گرفت

نکات بسیار مهمی در این حرکت و اعتصاب کارگران برای آموزش هر کارگر آگاه و مبارز دیگری و هر فعال کمونیست و سازماندهی وجود دارد. تجزیه و تحلیل آن از سوی دست‌اندرکارانش و کسانی که از نزدیک از دقایق این مبارزه بزرگ باخبر بودند، به هر شکلی، برای جنبش کارگری و شکوفایی و پیشروی جنبش مطالباتی آن حیاتی است. اگر مبارزات کارگران هفت تپه در سال ۹۷ و ۹۹ جنبش کارگری در ایران را برای متکی شدن به خود و همچنین نقش طبقه کارگر در اوضاع سیاسی و سرنوشت کشور، به روی صحنه آورد. اعتصاب کارگران قرار دادی در شرکت‌های پیمانکاری و موفقیت آن نشان داد که کارگران و رهبرانشان می‌توانند سازمان عظیمی که در شرایط امروز مبارزات کارگری در ایران به آن دست یافته اند را به کار گیرند و تا جایی که ممکن است آنرا از دست رس دیگران نگذارند.

آنچه که در اینجا مورد سوءاستفاده قرار گرفت تصمیم رهبران این اعتصاب به وصل کردن آن به خامنه‌ای، و مدح و ثنای او و حکومتش بود. این جنبه کار به شدت بر علیه طبقه کارگر و منفعت امروز و فردایش بود چراکه خود و کارگران را به سطح بردگانی که فقط برای لقمه نانی اضافی آماده فروش به برده دار است، تنزل دادند. این تصویری دروغین از کارگران و شعور و توقعات بالای آنها از کار و زندگی بهتری است که برای آن واقعا می‌جنگند. آیا این تصویری واقعی از کارگران بود که نامه به خامنه‌ای آن را منعکس کرد؟ بدون تردید پاسخ منفی است و این

**من از عائله رنجبرم**

**زاده‌ی رنجم و پرورده‌ی دست زحمت**

**نسلم از کارگران**

**حرف من اینکه: چرا کوشش و زحمت**

**از ماست**

**حاصلش از دگران؟**

**این جهان یکسره از فعله و دهقان**

**برپاست**

**نه که از مفت خوران!**



شعر از ابوالقاسم لاهوتی

نوع حرکت‌ها صرفاً درجه و نفوذ جریانات رفرمیست و اصلاح طلبان حکومتی و یا غیر حکومتی در این نوع مبارزات را می‌رساند که بر خلاف تمام خواست و آرزوهای زندگی و امنیت و آسایش همین کارگران و اکثریت بزرگی از جمعیت هشتاد میلیونی ایران برای نجات از این جهنم ساخته دست خامنه‌ای‌هاست. این جنبه کار هم برای کارگران آگاه به کل منفعت امروز و آینده طبقه کارگر باید بسیار روشن و بدیهی باشد. در این زمینه نباید درسی از رهبران اعتصاب کارگران پروژه‌ای در صنایع نفت و گاز گرفت، هفت تپه و اغلب تجارب مهمی که در این زمینه دارد بسیار باید ماندگار باشد. امید است که برخی فعالان و رهبران آنها که فکر می‌کنند در شکاف بین قوه‌های مختلف حکومتی استفاده‌ای برای کارگران هم می‌شود متوجه توهم و دور شدن از همه آن سنگ بناهایی که اعتصابات ۹۷ هفت تپه و رهبرانش در مورد اتکاء به کارگران، قدرت کارگران و مجامع عمومی آن‌ها و مجمع نمایندگان گذاست بشوند. و این ضامن شکوفایی جنبش مطالباتی و قدرتمند کردن آن در سطح سراسری است. این منبع مهمی برای مراجعه است و تکرار روش‌های خانه کارگری، شورای اسلامی، فرصت طلبان رنگارنگ، بسیج دانشجویی و ... عقب گرد است.

